

موضوع: زیارت امام حسین(ع) در اربعین(۱)

تاریخ پخش: ۸۵/۱۲/۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی بالتقوی»

بحث را بینندگان عزیز در آستانه اربعین امام حسین پخش می‌شود و می‌بینند، فکر کردم زیارت‌هایی که ما می‌رویم چه مکه و مدینه و کاظمین و سامرا و مشهد، چه زیارت امامزاده‌ها، چه همین زیارت‌هایی که بعد از نماز رو به امام حسین می‌ایستیم و می‌گوییم «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»، زیارت‌ها را یک نگاهی کنیم، چون در اربعین زیارت امام حسین بخصوص وارد شده، یکی از علامت شیعه، زیارت اربعین است. یکی هم انگشتر به دست راست کردن است. علامت‌هایی دارد، یکی هم آن است. یعنی آنجا وعده گاه بوده، زمان طاغوت‌ها، آن زمانی که امامزاده‌ها و سیدها و شیعه‌ها را می‌کشتند، این مقدار شیعه که بودند می‌گفتند وعده کجا؟ می‌گفتند وعده قبر امام حسین(ع). اینکه می‌گویند زیارت امام حسین علامت شیعه است، چون یک جایی بوده که وعده گاه بود. الآن هست مثلاً یک جایی که فرض کنید کارگرها در یک چهارراه جمع می‌شوند، نانوایان جمع می‌شوند، فوتبالیست‌ها یک جا جمع می‌شوند، به هر حال هر کسی، حقوقدان‌ها یک جا جمع می‌شوند، اساتید دانشگاه یک جا جمع می‌شوند، اینها گفتند خوب شیعه هم وعده‌اش آنجا باشد، چون آنجا می‌رفتند شارژ می‌شدند، انرژی می‌گرفتند، مثل این تلفن‌های همراه هست که دو شاخه‌اش را می‌زنند به برق شارژ می‌شود، آن برق امام حسین اینها را می‌گرفت شارژ می‌شدند. شارژ که می‌شدند با طاغوت مبارزه می‌کردند. یک بار یک کسی از این طاغوت‌ها پرسید شما هم مسجد می‌سازید هم قبر امام حسین را خراب می‌کنید، بنی عباس، آن کارتان چی است؟ آن کارتان چی است؟ گفت مسجد مردم را از خواب بیدار نمی‌کند، ولی زیارت امام حسین مردم را از خواب بیدار می‌کند. البته مسجدها هم باید از خواب بیدار کند و بیدار هم می‌کند، حالا مسجدهای خودشان را می‌گفتند آنها. مسجدهای ما که، انقلاب ما از مساجد شروع شد. به هر حال خوب است که یک نگاهی به زیارت بکنیم. کلمه زیارت یعنی دیدن، به زیارت فلانی رفتن یعنی دیدن فلانی رفتن. این را هم خیلی به من گفته‌اند، بخصوص گاهی که مشرف می‌شویم مشهد به ما می‌گویند آخر این چه رسم زیارتی است؟

۱- آداب زیارت قبور امامان(ع)

آداب زیارت، فایده زیارت، نقش زیارت، اصلاً زیارت یعنی دیدن. دست گذاشتن به ضریح جزء آن نیست، بوسیدن ضریح جزء آن نیست، دست می‌رسد آدم دست می‌گذارد، دست نمی‌رسد آدم دست نمی‌گذارد. وقتی شلوغ است آدم دست نمی‌گذارد. بعضی فکر می‌کنند اگر دست نمانند، زیارتشان قبول نیست، اینطور نیست. یک قصه بگویم. امام ششم(ع) طواف می‌کرد دور کعبه. فرض کنید این میز کعبه است، این گوشه کعبه حجرالاسود است، که حاجی‌هایی که می‌خواهند طواف کنند از این گوشه شروع می‌کنند، همین طور می‌گردند، از اینجا شروع می‌کنند به همین جا هم خاتمه می‌یابد. این حجرالاسود که سنگ است، این سنگ فرشته بوده، خداوند اراده کرده که این سنگ شود. مگر می‌شود؟ بله.

همین طور که عصای موسی چوب بود، بعد ازدها شد. یک چیزی را شما منجمد می‌کنید، باز می‌کنید، توسعه می‌دهید، ذوب می‌کنید، اگر بشر توانست خیلی کارها را بکند، خدای بشر هم می‌تواند بکند. فرشته که بود خداوند از بشر اقرار گرفت «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» آیا قبول دارید که من پروردگار شما هستم؟ «قَالُوا بَلَىٰ» (اعراف/۱۷۲) گفتند بله، به این فرشته گفت فرشته، شاهد باش که همه اینها پروردگاری مرا قبول کردند، بعد این فرشته سنگ شد، اسمش هم شد «يَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» (الفقيه/ج ۲/ص ۲۰۸) یعنی دست خدا در زمین. حاجی‌ها وقتی طواف می‌کنند، به اینجا که می‌رسند خوب است آدم دست بکشد یا ببوسد. پیغمبر دست می‌کشید و می‌بوسید، زمان امام صادق حاجی زیاد بود و شلوغ بود، نمی‌رفت امام صادق دست بکشد، گفتند آقا، جدّ شما دست به سنگ می‌کشید، شما چرا نمی‌کشید؟ گفت زمان جدّم راه باز می‌کردند، احترام می‌کردند، تنه نمی‌زدند، دست می‌زدند و می‌بوسیدند، الآن شلوغ است، خیلی هم کسی من را نمی‌شناسد، من خواسته باشم ببوسم باید هل بخورم، تنه بزنم، از خیرش می‌گذرم. از این چه می‌فهمیم؟ از این می‌فهمیم که اگر یک جایی زیارت است، اگر دیدی مزاحمت است از خیرش باید بگذریم. چه طواف، چه زیارت، کنار بایست سلام کن. دور و نزدیکی هم ندارد. جیغ هم ندارد. بعضی‌ها که دعا می‌خوانند، اصلا ما سحرخوانی روی بام نداریم. مناجات را باید یواشکی توی اتاق کرد. اذان را گفتند برو پشت بام بگو، شما می‌خواهی بگویی «الهی یا رب» خوب در اتاق بگو، چرا می‌روی پشت بام داد می‌زنی؟ سحرخوانی در بلندگو ممنوع. ممنوع یعنی وارد نشده است. آنجایی که به ما گفتند داد بزن فقط اذان است. غیر از اذان کسی حق داد زدن ندارد. چه شعر، چه مرثیه، چه سحرخوانی، چه روضه، چه بوق عروس، چه عزای امام حسین. مزاحمت مردم چه به اسم عروسی باشد، چه به اسم عزا، ممنوع. اینها را من باید بگویم به هر حال چون به ما می‌گویند حجت الاسلام، حجت الاسلام یعنی کارهایش از نظر اسلامی باید حجت باشد. من به عنوان کسی که طلبه هستم باید قرآن و حدیث را خدمت عزیزان بگویم. منتهی مردم هم توقع نداشته باشند تا یک چیزی گفتیم عملی شود. یک فرهنگی است که حالا...

۲- زیارت جامعه، جامع ترین زیارت اهل بیت (ع)

پس زیارت یعنی ملاقات. شما برو همین طور بایست، زیارت کامل است. «السلام علیک یا رسول الله» به پیغمبر سلام بده، بس است. «السلام علیک یا علی ابن موسی الرضا»، «السلام علیک یا امام حسین» همین زیارت است، یک سلام، یک زیارت است. منتهی خوب برای اینکه آدم سیر نمی‌شود و دلش هم می‌خواهد یک خورده با امامش گفتگو کند، به ما گفته‌اند این متن‌ها، متن‌های خوبی است، که بهترین زیارت‌ها، زیارت جامعه است، زیارت امین الله است، زیارت وارث است. در زیارت‌ها یک دوره معارف است. حالا. فایده زیارت چیست؟ حالا لازم هم نیست امام باشد و پیغمبر، زیارت اجداد، نیاکان، بالاخره ما باید با قبلی‌ها یک ارتباطی داشته باشیم، خیلی از خیرهایی که به ما می‌رسد، بخاطر نیاکانمان است، اگر آب خوشی از گلوی ما پایین می‌رود، نیاکان ما در این آب خوش سهم داشتند، فراموششان نکنید. حتما شنیده‌اید قصه موسی و خضر را که وارد منطقه‌ای شدند، یک دیوار خرابه‌ای بود، گفتند این دیوار خرابه را بسازیم. موسی به خضر گفت آخر مأموریت نداریم، به ما ابلاغ نشده، وظیفه ما دیوارسازی نیست، مگر ما کارگر

هستیم؟ اصلاً کسی به ما نگفته بساز، پول کسی به ما نمی‌دهد، مردم اینجا یک تکه نان خواستیم به ما نداند، شکم گرسنه کارگری مفت، کی گفت؟ موسی از این قبیل حرف‌ها را زد، خضر هم دیوار خرابه را، دیوار کج را صاف کرد و ساخت و گفت می‌دانی چرا ساختم؟ زیر این دیوار یک گنج است، مال یک آدم خوبی است، این آدم خوبی که صاحب گنج است مرده است، وصیت کرده که مثلاً این بچه هایش که بزرگ شدند که این یتیم‌ها هستند، بزرگ که شدند وصیت نامه را بخوانند، بروند گنج را بردارند. اگر ما این دیوار را نمی‌ساختیم، گنج لو می‌رفت، دیگران برمی‌داشتند، قرآن می‌گوید «وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا» (کهف/۸۲) چون پدر اینها آدم صالحی بوده، دو تا پیغمبر عملگی مفت، کارگری مفت می‌کنند برای اینکه بابایشان خوب بوده، خدا می‌خواهد مزد خوبی بابایش این باشد که یک خیری به بچه هایش برسد. چه می‌خواهم بگویم؟ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» درس امروز ما همین بود، قسمت اولش، گاهی چون بابا خوب است، خدا یک خیری به بچه هایش می‌رساند. بنده اگر یک کاری می‌کنم که خیر است باید ببینم اجداد من چه نقشی در این کار داشتند. درس دوم، مردم، یک کار خیری که پیش آمد بکنید، گرچه مزدتان را کسی در دنیا ندهد، چه بسا من یک کار خیری می‌کنم، الآن هم خیرش را نمی‌بینم، می‌گویم ما این کار را کردیم، نه کسی از ما تشکر کرد، نه کسی فهمید، نه کسی مزد داد، هیچی هیچی. می‌گوید غصه نخور، کار اگر خیر است، یا خودت خیرش را می‌بینی یا در آینده نسلت. «وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا» الآن شما نشسته‌اید، بنده خودم را می‌گویم، از خودم بگویم، کتک هایش را بلال خورد، من به پلوهایش رسیدم. دیگران ترکش خوردند، دیگران شهید دادند، اوه، دهها هزار جوان، عمودی رفت جبهه، با آمبولانس افقی برگشت، شهید شد. حالا انقلابی شده ما در آن هستیم، دیگران زحمت هایش را کشیدند. زحمات دیگران را هدر ندهیم.

۳- درس گرفتن از زیارت امام حسین (ع)

حالا؛ زیارت معنایش این است که حسین جان، تو زیر سم اسب رفتی، به من یاد دادی که زیر بار طاعوت نروم. ما اصول دینمان سه تا بود. خوراک، پوشاک، مسکن. حسین جان شهید شدی، چون در آستانه اربعین است می‌گویم، حسین جان شهید شدی که بگویی خوراک مهم نیست، تو آب خوردن هم در عاشورا نداشتی. پوشاک هم مهم نیست، چون لباس و جبهات را هم کردند، مسکن هم مهم نیست، چون خیمه هایت را آتش زدند، نه خوراک داشتی، آب خوردن، نه پوشاک داشتی، جبهات را کردند، نه مسکن، خیمه هایت را آتش زدند، اما زیر بار زور نرفتی. این یعنی چه؟ یعنی اگر آمریکا یک روز به شما گفت شما را در محاصره اقتصادی قرار می‌دهم، بگو بکن، در محاصره اقتصادی باشیم، ما زیر بار تو نمی‌رویم. درس است، به ما مکتب دادند. حالا این امام حسینی که در آستانه اربعینش بحث را گوش می‌دهید، باید با او رابطه داشته باشید. افکارش را، انگیزه هایش را، هدف هایش را، حرکتش را، رسالتش را، فریادش را، این زیارت یعنی چه؟ زیارت یعنی تجدید افکار، چه فکری داشتند، تجدید اهداف و انگیزه‌ها، تجدید حرکت، تجدید رسالت، تجدید فریاد، این برکات زیارت است، اگر گفتند چرا می‌روی زیارت؟ بگو می‌خواهم بروم آن

فریاد را بشنوم، می‌خواهم بروم آن فریاد فراموش نشود. زیارت یعنی اظهار عشق، زیارت یعنی قدردانی از زحمات، زیارت یعنی درس عبرت به طاغوت‌ها که فکر نکنید کشتید تمام شد، زیارت یعنی عبرت‌گیری، درس عبرت به دیگران، زیارت یعنی عبرت گرفتن خود، زیارت یعنی روحیه پیدا کردن، یک خلبان که می‌آید در قزوین سر قبر شهید بابایی، یک رئیس جمهور که می‌رود سر قبر شهید رجایی، بنده طلبه که می‌روم سر قبر ابوترابی، بالاخره می‌گویم عجب، البته من و ابوترابی همشاگردی بودیم، از بیست سالگی با هم بودیم. ایشان که آمد نجف درس بخواند، من یک سالی نجف بودم، اتاقمان، اثنیه‌مان را ایشان معامله کردیم، معاوضه کردیم، بالاخره وقتی من می‌روم سر قبر او، می‌گویم عجب، من و تو با هم بودیم، چقدر زحمت کشیدی و چقدر زجر کشیدی و چقدر و چقدر و چقدر. این زیارت‌ها این برکات را دارد. و لذا جای زیارت نباید به صورت عیاشی و تفریح دربیاید و متأسفانه بعضی از مزارها می‌روند جگر درست می‌کنند و بلال درست می‌کنند و قلیان چاق می‌کنند و انگار قهوه خانه قبر است. زیارت یعنی کلاس، آزمایشگاه. وقتی آدم می‌رسد به قبر شهدا، می‌بیند اوه اینها همه جوان بودند، عکس‌ها را نگاه می‌کنی همه با آدم حرف می‌زنند، ولذا در مزار شهدا بنده عقیده‌ام این است که سخنرانی هم نگذارند. چون واعظ که سخنرانی می‌کند یا مداح، همه حواس‌ها را جمع خودش می‌کند، اگر کسی حرف نزنند ما حواس‌هایمان جمع شهداست. اینها حواس ما را از شهدا جمع می‌کنند، متوجه خودشان می‌کنند. همه جا سخنرانی خوب نیست، اصلاً بعضی جاها سکوت خوب است. در تبلیغ می‌گویند گاهی سکوت بهتر از فریاد است. مثلاً من بگویم این چه وضعی است؟ این چه وضعی است؟ این چه وضعی است؟ مثلاً نعره بکشم بهتر است یا همچین بگویم، این چه وضعی است؟ می‌گویند به عدد اینکه سه بار نعره بکشی، یک بار یواش بگو به اندازه دو بار هم ساکت شو، می‌گویند آن اثر سکوت بیشتر است. ما فکر می‌کنیم که رفتیم مزار، حتماً باید اکو ببریم و مداح ببریم و دوبله ببریم و سوبله ببریم و نخیر اینطور نیست، اصلاً هیچ کس هیچی نگوید. اصلاً نگاه به مرده، عجب، این چشمهایش می‌دید. چشمهایت می‌بیند نگاه نکن. ببینید اگر زبانش کار نمی‌کندها، تا زبانت کار می‌کند اینقدر حرف بد نزن. اصلاً نگاه اثر تربیتی دارد، بنابراین این زیارت‌ها این آثار را دارد. این زیارت‌ها خیلی درس خوبی است.

حالا، جملاتی است که داریم «لکل موسی فرعون» هر جا موسی هست، فرعون هم هست. «لکل ابراهیم نمرود» هر جا ابراهیم هست نمرود هم هست. «کل ارض کربلا، کل یوم عاشورا» که چی؟ می‌خواهد بگوید اینها تاریخ مصرف ندارد، همیشه حق و باطل در مقابل هم در ستیز هستند. این جریان است، از آدم تا خاتم، یک سنت است، حق در برابر خط باطل بوده و هست و خواهد بود، حالا. بعد از این مقدمه وارد زیارت بشویم، در آستانه اربعین است، من سلام می‌کنم، شما هم همین سلام را بگویید، یک زیارتی است به نام زیارت وارث که می‌گوییم «السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله» این کلمه را باز کنیم. یک صلوات بفرستید.

۴- امام حسین علیه السلام، وارث حضرت آدم(ع)

«السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله» خوب، حالا اگر این یک کسی هم خوش صدا بود این را می‌خواند چقدر بهتر بود. «السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله» حسین جان، تو وارث آدم هستی، آدم چه بود؟ آدم چطور بود؟ صفات آدم، ۱- آدم خلیفه خدا بود. آدم مسجود فرشتگان بود، فرشتگان به آدم سجده کردند. آدم علم بی نهایت داشت. آدم روح خدا در او بود. اما خلیفه خدا بود، چون قرآن می‌گوید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/ ۳۰) من در زمین می‌خواهم خلیفه قرار بدهم. حضرت آدم خلیفه خدا بود. مسجود فرشته‌ها بود، چون قرآن می‌گوید: «اسْجُدُوا لِآدَمَ» (بقره/ ۳۴) ای فرشته‌ها، سجده کنید به آدم. بی نهایت علم داشت چون قرآن می‌گوید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره/ ۳۱) خداوند همه علوم را، «كُلَّهَا» کل علوم را به آدم آموخت. روح خدا در او بود، چون خدا می‌گوید: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر/ ۲۹) حضرت آدم در قرآن خیلی آیه دارد. حالا چهار تا بس است، راجع به حضرت آدم این چهار تا آیه را نگاه کنید، «جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» خدا در زمین خلیفه آفرید، پس آدم خلیفه خداست، ما به امام حسین می‌گوییم «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ» سلام بر حسین، حسین تو وارث آدم هستی، یعنی همین طور که آدم خلیفه خدا بود، تو هم خلیفه خدا هستی. «اسْجُدُوا لِآدَمَ» فرشته‌ها به آدم سجده کردند. حسین جان تو وارث آدم هستی، یعنی تو وارث کسی هستی که فرشته‌ها به جدت سجده کردند. «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ» تمام علوم را خدا به حضرت آدم یاد داد، سلام به تو حسین، تو وارث آدم هستی، یعنی وارث همه علوم هستی. «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» روح الهی در آدم دمیده شد، سلام بر تو حسین، تو حسین هستی وارث آدم هستی، یعنی روح خدا در تو هم هست. پس ببینید یک چیزی ما، فقط بگویید، زیارت وارث چیست، زیارت وارث «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ» اینها را روان بگوییم، روان نیست، بازش کنیم، وقتی می‌گوییم... این معنای «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ» خوب؛ جمله بعد. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ» نوح چه خصوصیتی داشت. باز یک صلواتی بفرستید.

۵- امام حسین علیه السلام، وارث حضرت نوح (ع)

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ» به مناسبت اربعین امام حسین یک نگاهی به زیارت امام حسین می‌کنیم، سلام بر توای حسینی که وارث نوح هستی، نوح نبی الله بود، نوح چطور آدمی بود، کشتی سازی او را مسخره می‌کردند. قرآن بخوانم. قرآن می‌گوید خدا به نوح گفت کشتی بساز پیش چشم من، «وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا» (هود/ ۳۷) اصنع همان صنعت است، یعنی بساز. فلک هم یعنی کشتی، عین یعنی چه؟ چشم، یعنی در برابر چشم ما یک کشتی بساز، قرآن می‌گوید: «كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ» (هود/ ۳۸) هر قومی که مرّ، مرور می‌کرد، می‌آمد از بغل کشتی برود، «سَخِرُوا» مسخره می‌کردند، می‌گفتند حضرت نوح، مثل اینکه پیغمبری ات گل نکرد، به نجاری افتادی. گاهی می‌گفتند نوح، ببین، آدم عاقل، کشتی را کنار دریا می‌سازند که هلش بدهند برود در دریا، آخر وسط خشکی این کشتی را روی دوش کی می‌خواهی بگذاری برود در دریا؟ قهقهه می‌خندیدند. خیلی مسخره کردند. قرآن می‌گوید «كُلَّمَا» یعنی هر وقت هر که آمد برود یک متلک گفت. «كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا» عربی‌هایی که می‌خوانم قرآن است ولی شما عربی‌های آسان را بلد هستید. «كُلَّمَا» هر چه، مرّ، مرور کردند، قوما، یعنی قومی، یعنی هر قومی مرور می‌کردند می‌آمدند برای من،

«سَخِرُوا» یعنی مسخره می‌کردند، جواب می‌گوید که مسخره‌ها را گوش بده. امام حسین که می‌خواست برود کربلا، می‌گفتند حسین جان، با هفتاد و دو نفر می‌روی کربلا چه کنی؟ او سی هزار نفر است، می‌خواهی بروی کربلا، زن و بچه‌ها را می‌بری چه کنی؟ علی اصغر را می‌بری چه کنی؟ با کی می‌خواهی بجنگی؟ با چه زوری؟ با چه پولی؟ با چه نیروی انسانی؟ در و دیوار انتقاد می‌کردند، حسین جان به نوح انتقاد کردند، به تو هم انتقاد کردند. «السلام عليك يا وارث نوح نبي الله».

۶- امام حسین (ع) کشتی نجات امت

خوب؛ کشتی نوح مؤمنین را نجات داد، وسیله نجات شد. «انَّ الحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ» سفینه یعنی چه؟ کشتی، کشتی نوح عده‌ای را نجات داد، قیام امام حسین هم نجات داد. چون مردم می‌ترسیدند از بنی امیه، امام حسین رفت قطعه قطعه شد، اصحابش قطعه قطعه شدند، آنوقت مردم هم که مشاهده کردند، مردم هم منفجر شدند، آن انفجار بعد از قیام امام حسین، چون اگر امام حسین تکه تکه نمی‌شد، جامعه منفجر نمی‌شد. یعنی گاهی برای انفجار جامعه... بعد از قیام کربلا خیلی کارها شد، یک مدتی خفقان بود، چی بود؟ ما چه کردیم؟ اه، رفتیم پول گرفتیم حسین را کشتیم؟ این چه غلطی بود کردیم؟ ما خواب بودیم، مست بودیم، اصلا کار به جایی رسید، همان روزهای اول که یزید آمد در خانه‌اش، خانمش گفت چه کردی؟ او گفت ابن زیاد بود، او گفت او بود، او گفت او بود، همه گردن هم می‌گذاشتند، پسر یزید، یزید را تویخ کرد، بابا چه کردی؟ به هر حال خون می‌جوشد. منتهی کشتی امام حسین هم تند می‌رود. همه امامان ما کشتی نجات هستند، اما کشتی امام حسین تندتر می‌رود. یک بار در صحن کربلا ایستاده بودم، بلندگو یک جمله‌ای گفت، برق مرا گرفت. حالا من هم نمی‌دانم این جمله حدیث است، یا حدیث نیست. کلمه‌ای است که برق مرا گرفت. گفت «کلهم سفن النجاه» همه امام‌ها کشتی نجات هستند، بعد گفت «و سفینه الحسين أسرع» کشتی امام حسین تندتر می‌رود. «کلهم باب الله» همه امام‌ها درگاه لطف الهی هستند، «و باب الحسين اوسع» اما درگاه امام حسین بازتر و وسیع‌تر و افراد بیشتری را جذب می‌کند. و همین‌طور هم هست، بسیاری از آدم‌هایی که با قال الصادق و قال الباقر و نماز جماعت و اینها خیلی رفیق نیستند، اما با عاشوار حسابی رفیق هستند، حسابی رفیق هستند، امام حسین مشتری‌های خاص خود را دارد. مذهبی مسلمان‌ها و شیعه‌هایی که در کشورهای دیگر هستند، قوی‌ترین اهرمی که اینها را جمع می‌کند عاشورا است. من بعضی ایام عاشورا کشورهای دیگر هم بودم که، مثلا دیدم که حتی روز عاشورا از صد فرسخی، از پنجاه فرسخی هر جا هست شیعه‌ها یک جا جمع می‌شوند که واقعا کشتی نجات و چراغ هدایت شده.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ» سلام بر توای حسین، تو وارث نوح هستی. نوح را مسخره کردند، به تو هم انتقاد کردند، می‌روی چه کنی؟ کشتی نوح نجات داد، قیام تو نجات داد. دیگر چه؟ قرآن می‌گوید نوح به مردم گفت: «وَ لَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي» (هود/۳۴) من هرچه حرف زدم ترجمه‌اش را بلد هستید، «لَا يَنْفَعُ» یعنی نفعی نمی‌دهد، «نُصْحِي» یعنی نصیحت من، من هرچی نصیحت می‌کنم، نصیحت‌های من در گوش من نمی‌رود. امام حسین هم روز عاشورا سه تا سخنرانی کرد و هیچ کدام از این سخنرانی‌ها در دل مردم نرفت. آخرش فرمود: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْكُمُ الشَّيْطَانُ»

(بحار الانوار/ج ۴۵/ص ۵) شیطان دیگر سرتا پای شما را گرفته، دیگر نفوذناپذیر شده‌اید. گاهی انسان در اثر گناه نفوذناپذیر است. بعضی‌ها می‌گویند خدا ارحم الراحمین است، بله خدا ارحم الراحمین است ولی خود خدا گفته رحمت من شامل همه نمی‌شود. «رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف/۵۶) رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. ببین اقیانوس اطلس خیلی آب دارد اما چیزی از آن در توپ نمی‌رود، اگر شما یک تویی را ببندازید، با اینکه آب زیاد است، یک قطره از این آب در توپ نمی‌رود، مشکل در اقیانوس نیست، این درش بسته است. «وَلَا يَنْفَعُكُمُ نُصْحِي»

۷- ناجوانمردی کوفیان در حمایت از امام حسین (ع)

در برابر نوح قرآن می‌گوید: «أَصْرُوا» اصرار کردند، «وَأَسْتَكْبِرُوا اسْتِكْبَارًا» (نوح/۷) خیلی گردن کلفتی کردند، راجع به امام حسین هم خیلی گردن کلفتی کردند. بارها امام حسین فرمود که من حلالی را حرام کردم، حرامی را حلال کردم؟ روی کره زمین، خوب گوش بدهید، روی کره زمین در هیچ تاریخی، در هیچ زمانی، در هیچ مکانی، هیچ مهمانی دوازده هزار نامه دعوت برایش نیامد. یک مهمان روی کره زمین بود که دوازده هزار نامه دعوت برای او آمد که آن هم کوفی‌ها بودند، بعد از دوازده هزار نامه دعوت او را شهید کردند. هیچ زمانی در هیچ مکانی هیچ شهیدی بین دو تا نهر آب تشنه شهید نمی‌شود. «أَصْرُوا وَأَسْتَكْبِرُوا اسْتِكْبَارًا»

وقتی نوح کشتی می‌ساخت مسخره‌اش می‌کردند، نوح گفت خدایا دارند مرا مسخره می‌کنند، قرآن می‌گوید بابا من تو را می‌بینم، مسخره‌ها را هم می‌شنوم، ببینید، اگر ما بدانیم که خدا می‌بیند، خیلی حیا می‌کنیم. اصلا بدانند یک دوربین مخفی است، اصلا ببیند یک بچه به ما نگاه می‌کند حیا می‌کنیم. گاهی وزنه بردارها که وزنه بلند می‌کنند، سنگین است، اما چون می‌بیند که دارند همه ایران، همه دنیا دارند او را می‌بینند این سنگین را بلند می‌کند. شما گاهی می‌روی زیر آب می‌گویی بشمار چند تا زیر آب هستم، می‌روی زیر آب، او می‌شمارد شانزده هفده هیجده، هی دارد می‌شمارد، شما نفست می‌سوزد، اما چون می‌دانی دارند تو را می‌بینند، هر چه بتوانی... مسخره می‌کردند نوح را، می‌گفت خدایا «وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا» می‌گفت: خدایا تو می‌بینی. علی اصغر هم که روی دست بابایش تیر خورد، یک مرتبه امام حسین دید گلو پاره شد، گفت خدایا تو می‌بینی، «هُوَ نَزَلَ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعِثَ إِلَهُ» (بحار الانوار/ج ۴۵/ص ۴۶) همین که تو می‌بینی من آرام هستم، «وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا»، «هُوَ نَزَلَ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعِثَ إِلَهُ» آن باعیننا، این عین الله، هر دو یعنی چه؟ یعنی خدایا تو می‌بینی. گاهی انسان یک عبادتی می‌کند او را مسخره می‌کند. مثلا نماز می‌خواند، بعضی آدم‌های لاابالی پوزخند می‌زنند، حجابش خوب است، دو نفر آدم کذابی مثلا لبخند می‌زنند. یا هی می‌گوید یاالله، بیا تو دیگه به تکلیف رسیدی، می‌خواهد بگوید من مرد هستم، بیا تو. پسر است به تکلیف رسیده است، هی می‌گوید یاالله، آنهایی که تا دیروز بی حجاب بودند، حالا هم این را جزء آدم حساب نمی‌کنند، اصلا او را مسخره می‌کنند. بگو خدایا من این مسخره را می‌شنوم، قبول هم دارم، تو که می‌بینی قبول است. گاهی هم باید با خدا معامله کرد. خدایا با اینکه مرا مسخره می‌کنند من مقاومت می‌کنم، چون تو دوست داری، تو می‌بینی، خلاص. همین که خدا می‌بیند خلاص.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ» این زیارت را ادامه‌اش را در جلسه بعد انشاءالله خواهیم گفت. یک خورده باز کنیم ببینیم با کی صحبت می‌کنیم.

پس حرفهایی که زدم، زیارت خیلی ثواب دارد، حتی داریم، حدیث داریم کسانی که پول ندارند و امکان ندارند بیایند زیارت انبیاء و اولیا و امامان، بروند زیارت علما، زیارت افراد صالح، حتی اگر پیش از ظهر جمعه کسی سر قبر پدر و مادرش برود، ثواب عمره دارد. زیارت قبور مهم است. زیارت شهدا خیلی مهم است، می‌فهمند، می‌دانند، همه کارهایمان را، بخصوص شهدا و اولیای خدا کارهایمان را زیر نظر دارند، ما باید رابطه‌مان را با نسل گذشته قطع نکنیم. این کتابخانه را همین طور نگاه نکن، قرن‌ها نوشتند تا این کتابخانه شد. زحماتی کشیده شد تا من به این نتیجه رسیدم. ما سر سفره دیگران نشستیم. دیگرانی که به گردن ما حق دارند، حق وراثتی، ژنتیکی، حق تعلیمی، حق تربیتی، هرکس حقی به گردن دارد، دیگران را فراموش نکنیم.

خدایا امنیت کامل به عراق، افغانستان، لبنان، فلسطین، به همه بلاد اسلامی امنیت کامل مستقر بفرما. زیارت همراه با معرفت نصیب همه ما بفرما. جلسه بعد هم ادامه همین زیارت وارث خواهد بود.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»